

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

چین به سیاست تخریبی و ضد صلح خود ادامه میدهد

دولت سرانجام پس از کشتن و زخمی کردن عدهای از ساکنین خارج از محدوده تهران، ویران کردن تعدادی خانه ساخته شده ویا تپه ساز، به آتش کشیدن راه صرف میشود) تأکید کرد. موافق آمار سازمان ملل متحد هزینه های نظامی جمهوری توده ای چین در سال ۱۹۷۶ به ۲۱ میلیارد دلار رسید. در این کشور تدارک برای جنگ بهایابی یکی از مهمترین رهنمودهای کشور و خط مشی عمده سیاست چین تأیید گردید. رهبری کمونیستی چین از سیاست شوونیستی عظمت طلبانه مانوئیستی و سیاست ضد صلح و سوسیالیسم عقب نشینی نکرده، بلکه جوانب مختلف این سیاست را تشدید میکند و تلاش دارد در زیر پرده شعار های جانی ویننداری لزوم مبارزه علیه «سلطه جویی (هژمونیسیم) شوروی، خط مشی توطئه گرانه و زدپوند خود را با ارتجاعیترین محافل امپریالیستی و جنگ طلب توجیه کند.

تشریک مساهی و همکاری رهبری چین با نیرو های امپریالیستی برای صلح و همه خفتهای جهان خطر بزرگی در بر دارد و درست به همین دلیل، نیروهای ارتجاعی با تب و تاب میکوشند از این خط مشی چین حد اکثر استفاده را بنمایند. سیاست پکن مواضع این نیروها را در خرابکاری علیه تشنج زدائی و امر صلح تقویت میکند. این نیروها با رهبری چین ائتلاف میکنند تا در اقدامات علیه اتحاد شوروی، جامعه کشورهای سوسیالیستی و بطور کلی مبارزه طبقاتی بقیلیس جهانی به کامیابیهائی برسند. پکن بنوعی خود این نیروها را در تشدید سابقه تسلیحاتی، تخریب در روند تشنج زدائی تحریک و تشویق میکند. میان این نیروها و رهبری پکن وضعی پدید آمده که هر یک از طرفین طرف دیگری را به بیرون کشیدن شاه بلوط از آتش تهییج میکند. رهبری چین با پیش کشیدن نظریات مجعول از قبیل «سیاست توسعه طلبانه شوروی» و غیره، مسئولیت تخریب در سیاست تشنج زدائی و عناد و مقاومت در زمینه قطع سابقه تسلیحاتی و جلع سلاح را از گردن محافل امپریالیستی و رژیمهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم ساقط و بدین ترتیب عملا از اقدامات ارتجاعیترین محافل امپریالیستی آمریکا در زمینه ساختن سیستم های جدید و خطرناکتر تسلیحات پشتیبانی میکند.

در خود چین کوشش میشود که بر ذخایر تسلیحات هسته ای و موشکی افزوده شود. رهبری کمونی چین در د کترین نظامی چین تغییراتی داده که ماهیت آن تقویت جنبه تعرضی تسلیحات و استراتژی نظامی است. در آغاز سال جاری هر چین با شرکت فرماندهان ارتش و رهبران مؤسسات صنایع نظامی کيفر انسهائی تشکیل گردید، در این کنفرانس وظایف مربوط به آمادگی نیروهای مسلح چین برای عملیات تعرضی و تسریع آهنگ تهیه تسلیحات تعرضی از آنجمله سلاح اتمی و موشکی مطرح گردید. نهم ماه اوت سال جاری هوا گوفن اعلام کرد: « بدون تردید ما باید برای جنگ آماده شویم. فرصت را نباید از دست داد. زمان میگردد.»

رهبری پکن که دیر زمانی است موضع طبقاتی را در ارزیابی نیروها در عرصه جهانی ترك گفته، در سالهای اخیر سیاست همکاری با همه نیروهای ارتجاعی و متجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی را علنا به مورد اجرا میگذازد. لیدرهای پکن میکوشند بر پایه خصومت با سوسیالیسم موجود روابط خود را با ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی غربی و ژاپن توسعه دهند. محافل ارتجاعی و جنگ طلب این کشورها را به عقیم گذاردن سیاست تشنج زدائی و تشدید عناد و ستیزه جویی نسبت به کشورهای سوسیالیستی ترغیب و تحریک میکنند.

دنباله در صفحه ۲

مبارزه را گسترده تر سازید!

(نگاهی به مبارزه پیروزمند ساکنین خارج از محدوده تهران)

و غارت اثنایه آنان، در نتیجه مقاومت جمعی و جلی ساکنین این نواحی و نشر افکار عمومی، ناچار به عقب نشینی شد و ساختمان در خارج از محدوده فعلی تهران را، با شرایط معینی، آزاد نمود.

این «خارج از محدوده» ایها، که در واقع خارج از قانون قرار داشتند، چه کسانی هستند و چرا در حالیکه در داخل محدوده تهران دهها میلیون مترمربع زمین بایر وجود دارد، در خارج از شهر، کیلومترها دور از مراکز آموزش و بهداشت، به ساختن خانه های غیر مجهز میپردازند، چرا در حالیکه دولت شب و روز در باره ضرورت ایجاد مسکن و صاحب خانه کردن مردم در بوق و کرنا میدمد، این افراد شبانه و پنهانی، زیر نور چراغ زنبوری و دوزخ دید چماق بدست های شهرداری، ترصد احوالات سر بنامی بنام خانه مسکونی برای خود بودند؟ اینها، اگر آقا زحمتکشان بیگار و نیمه بیگاری هستند، که برای بدست آوردن تهنه ای نان همچون سیاهی سرگردان از روستاها به شهرها، از شهرهای کوچکتر به شهرهای بزرگتر، بخصوص به تهران، سرازیر شده اند. عده کثیری از این مهاجران در نتیجه گرانی زمین و مسکن در داخل محدوده تهران (و نه فقط تهران) به امید ساختن پناهگاهی، پس از سالها پس انداز قطعه زمین کوچکی در خارج از محدوده خریداری کرده و آلونکها و کپرها و کومه های از چوب و حصیر و چینه و حلیی در آنها ایجاد میکنند و بنام حاشیه نشین، بدون آب و برق، بدون مدرسه و بهمانی، بدون وسائل ارتباط و نقلیه در بدترین شرایط ممکن بسر میبرند. عده ای از این زحمتکشان نیز پس از سالها صرفه جویی در آمد ناچیز خود به امید بهبودی شرایط مسکن، در صد ایجاد خانه ای از خشت و آجر بر میانند. و اینجاست که برای جلوگیری از گسترش بی تهنه تهران، برای جلوگیری از ساختن بنام بی پروانه، دست آهنگین قانون از آستین شهرداری بیرون میگذرد و همچو پتکی بر سر این عده و خانواده آنها فرود میآید. دولت، که پس از سالها «مبارزه» بی ثمر با بورس بلای زمین و بورس بلای ساختمان، پس از دادن هزاران وعده توخالی، درباره احداث خانه های ارزاقیمت، کارگری و کارمندی، سازمانی و غیر سازمانی، پس از اعطای سخاوتمندانه انواع تسهیلات مالی و فنی، قانونی و غیرقانونی به سرمایه گذاران داخلی و خارجی عجز مطلق خود را در جل معضل مسکن در ثبت وابسته به برای مبارزه با این محرومان خارج از محدوده چنان شدت عملی از خود نشان داد، که کار را به قتل و غارت و آتش کشاند.

دنباله در صفحه ۲

موج جدید نظامیگری

نطق اخیر شاه در «دانشگاه پدافند ملی، در باره اینکه ایران خود را باید برای یک جنگ مهیته آماده کند» مانند نطق چند سال پیش او در خارك (در آغاز شروع دوره جدید سیاست نظامیگری رژیم) تهیه «زمینه روحی» است. برای موج جدیدی در این سیاست ضد ملی پیوسته بمنظور خریداری تازه اسلحه هر چه بیشتر در مقابل تحویل درآمد نفت ایران از کشورهای امپریالیستی و علی الخصوص آمریکا. روزنامه «نیورویک تایمز» در سرمقاله دهم سپتامبر ۱۹۷۷ خود عیناً چنین نوشت: «در سال مالی ۱۹۷۷ (که در ماه جاری خاتمه می یابد) ایالات متحده امریکانه میلیارد و نهصد میلیون دلار اسلحه به سراسر جهان فروخته که از آن تنها پنج میلیارد و پانصد میلیون دلار بیابرات فروخته شده است. این روزنامه می افزاید: «اگر دستگاه «آواکس» (یعنی سیستم کنترل وردیابی هواپرد) نیز بایران فروخته شود، این مبلغ به شش میلیارد و هفتصد میلیون دلار میرسد. این مطلبی است که در مهمترین جریده امریکا نوشته شده و با وجود آنکه ما با شوههای بی پروای کاخ سفید و کاخ صاحبقرانیه در اجرای این نوع بند و بستهای ضد بشری آشنا هستیم، باز چشم از تحجب باز نمیاندازد. قریب هفت میلیارد از ده میلیارد دلار اسلحه صادراتی امریکا به سراسر جهان را، تنها ایرات میخرد!

مسئله فروش هفت دستگاه رادارهای پرنده «آواکس» بایران با مخالفت کنگره امریکاروبروست ولی بنابه خبر منتشره در اطلاعات (۱۷ شهریور ۱۳۵۶): «جودی پائول سخنگوی کاخ سفید در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت باین دلیل جیمی کارتر از این معامله قویاً پشتیبانی میکند که ایران به این سیستم نیاز دارد. جودی پائول همچنین گفت که امیرال ترتر رئیس سیا که زمانی مخالف این معامله بود، اینک موضع خود را تغییر داده و با این معامله موافق است. با آنکه سخنگوی کاخ سفید «نیتاز ایران» را مستمک قرار میدهد، در همان مصاحبه مطبوعاتی کمی دربرتر میگوید: «یکی از دلایل کاخ سفید (برای فروش آواکس) موقعیت حساس استراتژی ایران از نظر جغرافیائی است. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۹ شهریور خود مطلب را روشتر میسازد. مطابق خبری که آسوشیئد پرس پخش کرده، کارتر طی بخشنامه ای «دفاع» از ایران و دوستان و متحدین امریکا را بعهده گرفته و برای «دکتر متحد خودایران اولویت استراتژیک» قائل شده است. طبق این بخشنامه در صورت «تجاوز احتمالی بایران (۱) امریکا در کنترل ایران،

دنباله در صفحه ۲

با استفاده از «دوره ارانی» مارکسیسم - لنینسیم را بیاموزید!

مربوط به درس و رهنمون آموزش، که در آن مملنان توجه آموزندگان را به طرز فرا گرفتن هر درس و نکات اساسی آن جلب میکنند. علاوه مملنان آماده اند به پرسشهای آموزندگان پاسخ دهند و آنان را در جریان تحصیل بطور منظم راهنمایی کنند. استفاده از «دوره ارانی» به معنی داشتن رابطه سازمانی با حزب توده ایران نیست و لذا برای همه علاقمندان ولو اینکه رابطه سازمانی با حزب توده ایران نداشته باشند، آزاد است. رابطه «دوره ارانی» با آموزندگان تنها یک رابطه علمی خواهد بود.

از علاقمندان تقاضا میکنیم خود را با یک شماره پنج رقمی نامگذاری کنند و آدرس در اختیار ما بگذارند تا از آن طریق این رابطه علمی برقرار شود. آدرس ما چنین است:

Dr. John Takman
P. B. 49 034
10028 Stockholm 49
Sweden

باین آدرس با ما مکاتبه کنید. دوره ارانی

با توجه به علاقه و شوری که مبارزان جوان ایرانی برای آشنائی با مارکسیسم - لنینسیم نشان میدهند و اهمیتی که آموزش منظم این علم برای پیشرفت جنبش انقلابی و ترقی اجتماعی کشور ما دارد، هیئت اجرایی کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم گرفت دوره ای برای آموزش غیابی مارکسیسم - لنینسیم تأسیس کند. این دوره که «دوره مقدماتی مارکسیسم - لنینسیم» - بنام ارانی، نامیده شده، کار خود را با استقبال شصتین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، از اول نوامبر ۱۹۷۷ آغاز میکند. این دوره در آغاز کار خود دویز دانشجو می پذیرد: از اول نوامبر ۱۹۷۷ و از اول ژانویه ۱۹۷۸.

دوره ارانی برای دو سال در نظر گرفته شده، که سال اول آن با آموزش سه واحد درسی: فلسفه، اقتصاد سیاسی و تاریخ جنبش جهانی کارگری و کمونیستی و تاریخ حزب کمونیست اتحاد شوروی آغاز میشود. در سال دوم علاوه بر اینها، تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیز تدریس خواهد شد. شیوه تدریس عبرت است از اسرار جزوه های درسی، تطمات بر گردیده از آثار مارکس، انگلس و لنین

دنباله در صفحه ۲

نظر کرده دیگر!

اشرف بهلوی همراه ندیمه و یک بازرگان و یک راننده وقتی ساعت چهار بعد از نصف شب از کارینوی با اتوموبیل روزرویس به وریلی خصوصی متعلق به شاه در جنوب فرانسه باز میگشت مورد شلیک سه نفر سر نشینان یک اتوموبیل پژو قرار گرفت ولی شخص اشرف صدمه‌ای ندید. در اظهارات اشرف که رادیوی تهران پخش کرد، خواهر توأم‌ان شاه نجات خود را نتیجه نصرت الهی و معجزه تازه‌ای بسود خانواده بهلوی خواند و گفت بعضی باز گشت بنزیرات آستانه قدس و سپس کعبه معظمه نازل خواهد شد. زنی که «خواندنی‌ها» ویرا، الهه فساد، نام نهاده و کمترین کارش آنست که میلیونها دلار ثروت کشور مراجر کارینوهای اروپا حیف و میل میکند و زندگی او را هیچ رنگ و روشنی نمیتواند به نمونه‌ای از تقدس و پارسائی بدل ساخت، خود را منظور نظر خدا و پیغمبر و الهامش معرفی مینماید! واقعاً هم رفتن از کارینو قفسار در سوسیس به کعبه فقط از عهده سالوسان گستاخی مانند اشرف برمی آید. روزنامه «تومانیته» به مناسبت این واقعه نوشت که میگویند حادثه سوء قصد علیه اشرف مربوط به کسانی است که در مورد قتلجاق مواد مخفیه میخواستند با اشرف «تصفیه حساب کنند». همین روزنامه مینویسد که پلیس فرانسه با بهانه قرار داد حادثه «تصفیه دارد بار دیگر موجبات مزاحمت دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه را فراهم آورد.

چین به سیاست تخریبی ...

پکن در مبارزه بر ضد گرایشهای مثبت و پیشرفت روند تشنج زحانی در اروپا با عناصر نفوذناهیست تلاشی جزو و افراتری تریس محافل ارتجاعی اروپا روابط همکاری نزدیک برقرار میکند. استقبال گرم ویدئیرائی شاهانه لیبرهای پکن از قبیل بیسگر معاون صفر حزب دمکرات مسیحی آلمان غربی و نجر لیبر محافظه کاران انگلستان که در بهار سال جاری از پکن دیدار بعمل آوردند نمونه‌هایی از این همکاری است.

امروز چین در محاسبات امپریالیستهای برای تصنیف مواضع سوسیالیسم بمقیاس جهانی و برهم زدن وحدت میان کشورهای سوسیالیستی اهمیت روز افزونی کسب میکند. گرایش خطرناک درسیاست پکن برای نزدیکی هرچه بیشتر و گسترش دایره منافع بین المللی «مشترک» یا «موازی» پکن و واشنگتن و همکاری سیاسی و نظامی لیبرهای جمهوری توده‌های چین با ارتجاعیترین محافل امپریالیسم آمریکا، کشورهای اروپای غربی و ژاپن تشدید میشود. لیبرهای چین در ملاقاتهای خود با نمایندگان کان آمریکا، بارها متذکر شده‌اند که بعقیده آنها انطباق مواضع ایالات متحده آمریکا و جمهوری توده‌های چین در اکثر مسائل بین المللی بسیار مهمتر از مسائل مربوط به مناسبات دو جانبه آنهاست. خط مشی پکن در زمینه عقیم گذاردن سیاست تشنج زحانی در اروپا و مخالفتی آن با اقدامات در باره قطع مسابقه تسلیحاتی، با خط مشی ایالات متحده آمریکا در زمینه تقویت بنیه نظامی ناتو هم آهنگی کامل دارد. انطباق کامل سیاست پکن و واشنگتن در بسیاری از مسائل آسیا و آفریقا، منطقه اقیانوس هند و اقیانوس آرام کاملاً آشکار است. در این مناطق علاقمندی مشترک پکن و واشنگتن به حفظ و گسترش حضور نظامی آمریکا، در تضعیف مواضع کشورهای نو استقلال و رژیمهای مترقی، در ایجاد تفرقه، تضعیف و سرکوب جنبشهای رهایی بخش ملی کاملاً مشهود است. از نمونه های برجسته آن کمک و پشتیبانی چین از نیروهای ضد انقلاب، نیرو های تژاد پرست آفریقای جنوبی و عمل دواژر جاسوسی آمریکا، در حوادث آنگولا و اقدامات تحریک آمیز آن در اختلافات میان حبشه و سومالی را میتوان یادآور شد. هم جمهوری توده ای چین و هم ایالات متحده آمریکا میکوشند جنبش کشور های غیر متعهد را از سمت ضد امپریالیستی آن منحرف سازند و کشور های شرکت کننده در این جنبش را علیه متفقین طبیعیشان یعنی کشورهای سوسیالیستی برانگیزند. همکاری پکن و واشنگتن در زمینه بسیاری از مسائل بین المللی در سازمان ملل متحد با وضوح هر چه بیشتری متجلی میگردد. در شرایطی که مواضع سوسیالیسم جهانی در نتیجه پیروزی تاریخی خلقهای ویننم و لاژوس در آسیا

استحکام یافته، پکن نسبت به اتحاد نظامی آمریکا و ژاپن و کوششهای سرمایه ژاپن برای توسعه و تحکیم مواضع خود در جنوب خاوری آسیا روش تأیید آمیزی پیش گرفته و روابط خود را با رژیمهای ارتجاعی این منطقه بر پایه مواضع ضد کمونیستی گسترش میدهد. رهبری چین مصراانه میکوشد محافل حاکمه ژاپن را به اتحاد ضد شوروی جلب کند و از ژاپن طلب میکند که در پیمان صلح چین و ژاپن ماده ای در باره «مبارزه مشترک علیه هژمونی» که منظور از آن علیه اتحاد شوروی است گنجانده شود. اخیراً میان هیئت های نماینده کی نظامی چین و ژاپن ملاقاتهایی بعمل آمده که در جریان آنها مسائل نظامی و همکاری دو کشور در این زمینه بررسی شده است. پکن ضمن ابراز تمایل به همکاری نظامی با ژاپن و اتحاد با میلیتاریسم ژاپن بر زمینه ضد شوروی و ضد سوسیالیستی از تقویت بنیه نظامی ژاپن پشتیبانی میکند. رهبری کنونی چین به سیاست خصمانه و خط مشی تفرقه افکنانه در جنبش جهانی کمونیستی همچنان ادامه میدهد. در اسناد یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین تأکید شده است که رهبری پکن «مبارزه علیه روزرویسیم معاصر (منظور جنبش جهانی کمونیستی) را تا به آخر ادامه خواهد داد. پکن از گروههای مائوئیستی که خود در کشورهای مختلف جهان موجود آورده بمثابة ابزار اجرای چنین سیاستی استفاده میکند. رهبری چین گروههای مائوئیستی در کشورهای خارجه را در سمت عقیم گذاردن سیاست تشنج زحانی و مبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست بسیج میکند. گروههای مائوئیستی در اقدامات هم آهنگ خود با محافل تبلیغاتی روزروازی در فعالیت سیاسی و مبارزات طبقاتی احزاب کمونیست خرابکاری میکنند و به اقدامات تحریک آمیز بفرع ارتجاع و در جهت ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان راه آزادی و ترقی اجتماعی دست میزنند. این گروهها به بهترین افزار ضد کمونیسم در مقیاسهای ملی و بین المللی تبدیل شده اند. این نقش را در چهره مائوئیستهای ایرانی بحیثی روشن میتوان دید. مائوئیستهای ایرانی به پیروی از سیاست پکن در همکاری با محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی از فعالیتهای خرابکارانه در نهضت مترقی ایران و مبارزه ضد رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه، کار را به دفاع آشکار از سیاست نظامیگری و معاملات دهها میلیارد دلاری اسلحه رژیم کشانده اند و آنرا چنین توجیه میکنند: «عامل اصلی که رژیم را اینچنین سرسایمه ساخته و او را به اتخاذ یک چنین سیاست تسلیحاتی واداشته، تحریکات شوروی در منطقه خلیج فارس است که از جانب این ابر قدرت حیات یکایک کشورهای ساحل خلیج فارس را تهدید میکند.» سپس در تشریح و استدلال این «نظریه» به دفاع از مواضع امپریالیسم آمریکا و سیاست تسلیحاتی آن می پردازند: «در نتیجه تغییرات و تحولات اوضاع امپریالیسم آمریکا بمثابة سر کرده امپریالیسم غرب امروزه موفقیت خود را از دست داده و از لحاظ استراتژیکی در قبال رقیب خود یعنی ابر قدرت شوروی در حالت دفاعی قرار گرفته است. امپریالیسم آمریکا بویژه پس از شکست در هندوچین دیگر در موقعیتی نیست که همانند گذشته راساً و بطور مستقیم از مناطق نفوذ خود نگهداری کند. . . . در چنین شرایطی است که کشورهای که تا اکنون حفظ امنیت خود را در گرو آمریکا قرار داده بودند مجبور گشته‌اند در قبال واقیبات موجود جهان و موقعیت کنونی آمریکا ظرفیت دفاعی خود را برای حفظ موجودیت خود بالا برند. این وضع در مورد شاه و رژیم ایران نیز صادق است. . . این استدلال مائوئیستهای توجیهی است برای دگرین یکسگون در باره ایجاد ژاندارمهای منطقه ای بوسیله رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی با هزینه های تسلیحاتی به حساب درآمد ملی خلقهای منطقه با مأموریت پاسداری مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی آمریکا و سرکوب جنبش های رهایی بخش و در عین حال تیره رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده مانند رژیم محمد رضا شاه که این نقش را بعهده میگیرند.

و اما در مورد «تغییرات و تحولات» که مائوئیستهای ایرانی به آن استناد میکنند و موجب تضعیف امپریالیسم آمریکا بویژه پس از شکست آن در هندوچین گردیده، تغییر در تناسب نیروها در صحنه جهانی است که به برکت وجود جامعه کشورهای سوسیالیستی و درجهاول اتحاد شوروی و کابایبهای جنبشهای

موج جدید نظامیگری

قرار خواهد گرفت. اطلاعات تصریح میکند که این اقدامها «شورای امنیت ملی آمریکا» (که برزینسکی بر رانس آن قرار دارد) و استراتژیستهای آمریکا (یعنی پنتاگون) از کارتز دفاع خواسته‌اند. سخنان سنی امضاء شده به وزارت دفاع آمریکا ارسال گردیده‌اند. آمریکا در این ناحیه نیروهای خواهد داشت که آماده مقابله با هر گونه تجاوز باشند. هم اکنون تعداد این نیرو در ایران به بیش از سی هزار نفر و در جندار امریکائی رسید است. پس معلوم میشود هدفتای غارتگرانه امپریالیسم و ما جرابجویی جنگ طلبانه شوروی امنیت ملی آمریکا، و استراتژیستهای این کشور و رئیس سیا در اسلاترترنر، در منشاء این واقیبت شوم و وحشتناک قرار دارد که ایران بیش از هفتاد در صد اسلحه صحرائی آمریکا را میخرد و نه «نیاز ایران» به جنگ میهنی، و یا خطر «تجاوز احتمالی».

درست بهمین جهت روزنامه «ایزوستیا» در یازدهم شهریور سال جاری در مقابل نقشه های نوین امپریالیستها در خاور میانه موضع گیری میکند و مینویسد که آمریکا در صدد «بسط حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس است». «ایزوستیا مینویسد: «در سالهای اخیر رؤسای پنتاگون به منطقه خلیج فارس دائماً توجه بیشتری معطوف میدارند و در نتیجه تحویل وسائل جنگی بسیار متنوع به میزان عظیمی به کشورهای این منطقه» اکنون خلیج فارس به محل تمرکز عجیب اسلحه ملرن مبدل شده است. «ایزوستیا مینویسد که پنتاگون نقشه وسیعی برای ایجاد شبکه ای از پایگاههای نظامی در این ناحیه دارد تا منابع انحصارهای نفتی آمریکا را در این بخش از جهان تأمین کنند.

وقتی شاه از «جنگ میهنی» سخن میگوید، وقتی در مصاحبه با امیر طاهری سر دبیر کیهان از آن دم میزند که اگر در ایران اتفاقی بیفتد دنیا نابود خواهد شد، اشارات این حامی جنگر سوخته منافع امپریالیستی، بهمین هدفهاست که پنتاگون و سیا موافق مصالح شرکتهای نفتی آمریکا معین میکنند، و کاخ سفید زیر آنرا امضاء میگردد و سرانجام بصورت نقطه‌های پر حرارت «شاهشاه ایران زمین» در می آید!

رهائی بخش ملی در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین، حاصل شده و یک پدیده انقلابی تاریخی است. پیروزی تاریخی خلقهای ویننم و لاژوس و کامبوج بر امپریالیسم آمریکا نیز با پشتیبانی و کمکهای همه جانبه و قاطع کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی از مبارزات قهرمانانه خلقهای این کشورها بدست آمده که موجب تضعیف امپریالیسم آمریکا گردیده است. اما مائوئیستهای ایرانی با تحریف این واقیبات و اطلاق «سوسیال امپریالیسم» به اتحاد شوروی به نتیجه گیری دلخواه خود میرسند تا بتوانند بر آن اساس در مقام دفاع علنی از رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستی او برآیند.

مائوئیست های ایرانی بیهوده میکوشند چهره واقعی خود را در پس پرده این شعبده بازیهای لفظی پنهان کنند، زیرا حتی در آن دورانی که مائوئیسم با نقاب انقلابیگری از خاور «طالع» کرد «آفتاب سرخ» نوری نداشت و چهره واقعی آن هویدا بود. حالا که دیگر در راست ترین جناح ارتجاع در بلختر جای واقعی خود را یافته، بطریق اولی نمیتواند چهره واقعی خود را مستور کند.

مبارزه را گسترده تر
ولی اقدامات خشن و غیر انسانی رژیم زحمتکش خارج از محدوده، را از مبارزه باز بلکه بر حوت این مبارزه و شدت مقاومت افزود.

شکست مفتضحانه برنامه های اقتصادی رژیم، که گرانی و کمیابی و نابابی و بخصوص بیسایته هزینه مسکن از عوارض ناگزیر آن خود آن در وهله اول به چشم زحمتکشان میرا زحمتکشان را در مبارزه خود بلزهم پیگیرتر و نمود. بخصوص تلاطمی که در نتیجه جابجائی مهرها در دستگاه دولتی بمنظور ترمیم و تعدیل منفی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی ناشی از شک بوجود آمد (یا دست کم انتظار بوجود آمدن میرفت) «ساکتین خلیج از محدوده را در افقده چه در زمینه خانه سازی بدون پروانه وجه در کار جمعی در مقابل ماموران» تشجیع نمود. تعداد عواملی هستند که همراه با احساسات برانگیختا رژیم را به یک چنین عقب نشینی وادار ساختند. اطلاعات با اشاره به فشار دولت به ساکتین - محدوده و عکس العمل آنان و نیز عقب نشینی چنین نوشت: «نتیجه چنین فشاری» خواه و انتقار خواهد بود، چنانکه دیدیم. اما اکنون دولت با سیاسی عقلاانه و مدبرانه جلوی آن گرفته است. . . .

تجربه مبارزه ساکتین خلیج از محدوده نشان میدهد که مبارزه متحد و اقدامات جمعی، ولو سطح ابتدائی از تشکیل، با بهره برادری سد به موقع از شرایط مساعد، چگونگی معیونتد نتایج چه در مبارزه با رژیم خونخوار محمد رضا شاهی بیار ولی زحمتکشان نباید به نتایج بدست آکفا کنند. آنان باید دامنه خواستها و خود را گسترده تر سازند. زحمتکشان خارج از های شهری، در شرایط مشخص کنونی باید مبارزه را برای تحقق خواستههای زیرین ادامه دهند:

- وادار ساختن دولت به اعطای کمکهای فنی بمنظور احداث خانه های مجهز و بهداشتی آن چیزی که ساکتین این نواحی خود قا انجام آن نیستند!
- وادار ساختن دولت به تأمین آب و مراکز بهداشتی و آموزش و وسایل ارتباطی و سایر خدمات شهری!
- مبارزه بر راه پایان دادن به آلودگن زناغه نشینی، کپرنشینی و واداشتن دولت به خانه های مناسب برای این قبیل «حاشیه نند ها!
- واداشتن دولت به پایان دادن به بورس با خارج از محدوده و کوتاه کردن دست مها بزرگ اراضی خارج از محدوده!
- تعمیم اقداماتی که در مورد ساکتین محدوده تهران انجام گرفته و میگیرد به سایر خارج از محدوده سایر شهرها!

ساکتین خارج از محدوده ها که عده آنان در تهران به صدها هزار میرسد (به رویایی حتی از یک میلیون نفر) باید دست در دست هم کمک سایر زحمتکشان برای تحقق خواسته های مبارزه کنند. پیروزی ساکتین خلیج از محدوده میتواند درسی الهام بخش برای آنان باشد.

اظهار میکند: «روابط با جمهوری توده ای چین شکی بسیار امیدوار کننده است، زیرا چین «دوست قوام خود را نسبت به واقیبت کشور ما بنحو در در نشان داد.»